



تکذیب انتصاب‌های خانوادگی در وزارت ارشاد

محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خبری را که در خصوص انتصاب‌های خانوادگی در این وزارتخانه در فضای مجازی مطرح شده است، تکذیب کرد. اسماعیلی در مراسم رونمایی از «سند ملی خواندن و ترویج مطالعه مفید» در جمع خبرنگاران گفت: «ما در وزارت فرهنگ، طبق قاعده، کار کرده ایم. دوستان روز گذشته در این باره پاسخ دادند و آن را تکذیب کردند.» وزیر ارشاد در این خصوص توضیح داد: «ما دولتی هستیم که سه‌سال و نیم فعالیت کردیم، نه ۸ سال! دوستان روز گذشته در این باره پاسخ دادند. این مدل ابراز علاقه‌ها در پایان دولت‌ها همیشه بوده و خداوند به همه ما تقوای لازم و توجه به عواقب اظهار نظرهای نادرست را عنایت کند.» او همچنین در ساره این که برخی معاونت‌ها و سازمان‌های تابعه مدتی هست که سرکار حضور ندارند، گفت: «یک مورد هم نداشتیم. اگر هست به ما بگویید، برخلاف حرف‌هایی که زده می‌شود، تا ساعت آخر می‌توانیم عزل کنیم.»



نسخه ویژه نایبانیان «هزارستان»

سریال «هزارستان» علی حاتمی برای نایبانیان توضیح‌دار شده است. سونیا یا سینما نایبانیان، در پنجمین سال فعالیت خود، نسخه ویژه نایبانیان سریال «هزارستان» علی حاتمی را روزهای جمعه ساعت ۱۰ صبح منتشر می‌کند. اولین قسمت این سریال روز جمعه ۲۹ تیرماه در سایت سونیا قرار خواهد گرفت. مجموعه سونیا تحت مدیریت گلاره عباسی است و مجموعه «هزارستان» نیز زیر نظر او با سردبیری کیوان کتیریان تولید شده و متن روایت آن را شیدا محمدطاهر نوشته است. این مجموعه در استودیو فراز با صدابرداری مرتضی محقق، تدوین و میکس صدای مرجان طیبسی ضبط شده و حامی آن نیز گالری گوهر بین است. دسترسی به نسخه نایبانیان سریال «هزارستان» در سایت سونیا یا پادگیرها و کانال تلگرام رادیو سونیا برای علاقه‌مندان در دسترس است. سونیا، سینمای نایبانیان از سال ۱۳۹۸ و به منظور ارائه محصولات فرهنگی و هنری به نایبانیان و حمایت از توانمندی‌های نایبانیان کشور تاسیس شد.

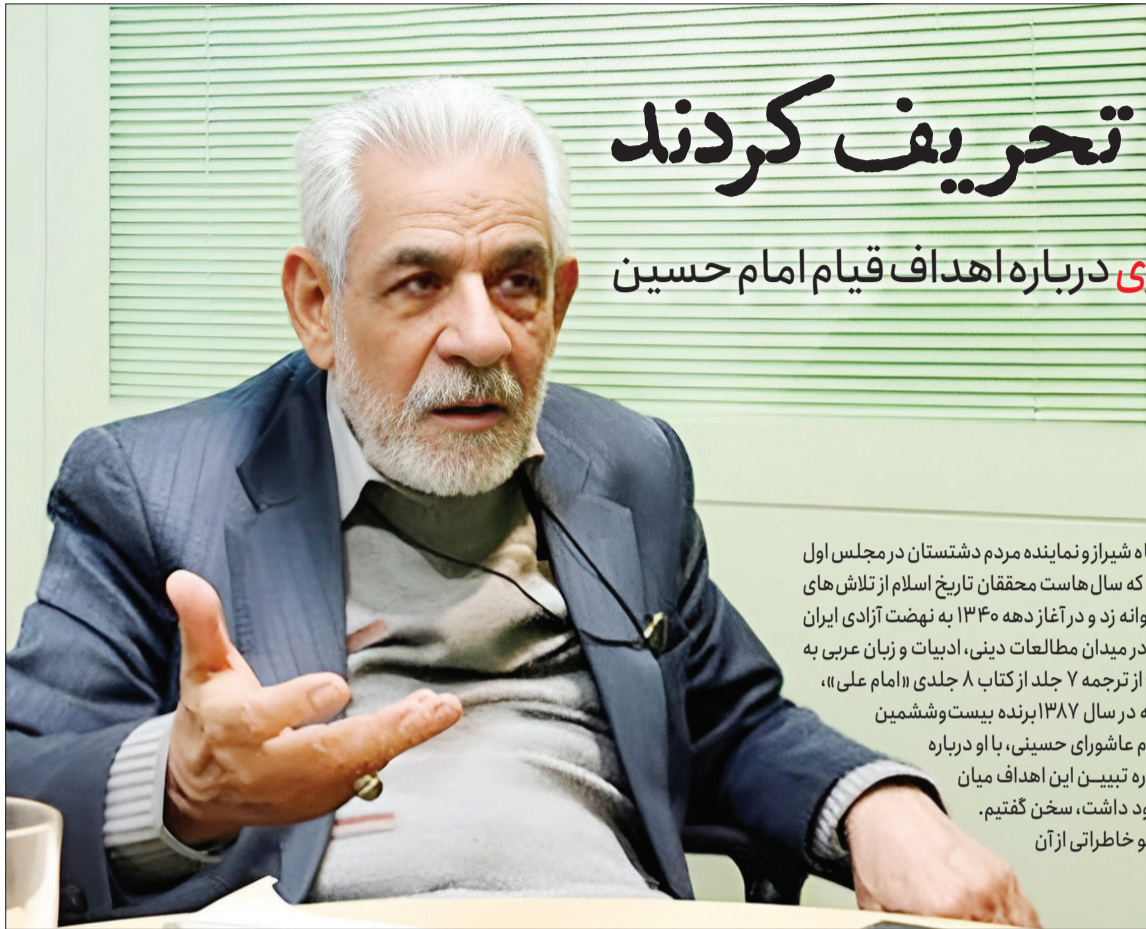
پیام عاشورا را تحریف کردند

گفت و گو با محمد مهدی جعفری درباره اهداف قیام امام حسین



فرزاد نعمتی خبرنگار گروه فرهنگ

سید محمد مهدی جعفری، نویسنده، مترجم، استاد بازنشسته دانشگاه شیراز و نماینده مردم دشتستان در مجلس شورای اسلامی، یکی از برجسته‌ترین نهج البلاغه پژوهان معاصر است که سال‌هاست محققان تاریخ اسلام از تلاش‌های او بهره‌مند می‌شوند. در جوانی علقه‌های روشنفکری دینی در او جوانه زد و در آغاز دهه ۱۳۴۰ به نهضت آزادی ایران پیوست. در تمام این سال‌ها او ضمن حضور در محافل روشنفکری، در میدان مطالعات دینی، ادبیات و زبان عربی به پژوهش می‌پردازد و آثاری ارزشمند در کارنامه فکری او دیده می‌شود؛ از ترجمه ۷ جلد از کتاب ۸ جلدی «امام علی»، نوشته عبدالفتاح عبدالمقصود تا «تصحیح و ترجمه نهج البلاغه» که در سال ۱۳۸۷ برنده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد. به مناسبت فرارسیدن ایام عاشورای حسینی، با او درباره اهداف قیام امام حسین (ع) و اختلاف آرای که در دهه ۱۳۵۰ درباره تبیین این اهداف میان نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، علی شریعتی و مرتضی مطهری وجود داشت، سخن گفتیم. او خود شاهد زنده برخی از این اختلاف‌ها بوده است و در این گفت‌وگو خاطراتی از آن روزها نقل می‌کند که خواندنی و قابل تأمل است.



امانه آنگونه که صالحی نجف‌آبادی تمام قصد حسین را حکومت می‌داند که نتوانست آن را به دست آورد. شریعتی کتاب «شهید جاوید» را از نظر روش تحقیق، صدرصد تایید می‌کرد و من این را از علامه جعفری هم عیناً شنیدم. علامه نیز می‌گفت «شهید جاوید» از نظر تحقیقی کتاب بسیار خوبی است ولی بابت نتیجه‌گیری آن موافقت نداشت. **تفاوت بنیادی شریعتی و صالحی نجف‌آبادی این است که از نظر نویسنده «شهید جاوید» امام شهادت سیاسی را برنگزیده بود، بلکه این شهادت بر او تحمیل شده بود. شریعتی اما حرکت امام به مقصد شهادت را آگاهانه می‌دانست.**

بله، همین طور است. از نظر من نیز حسین (ع) کسی نبود که شرایط دوران پدر و برادر و خودش را نداند. در آن دوران زندگی کرده بود و آثاری که از او باقی مانده و نامه‌ای که به معاویه می‌نویسد بیاناتی که در مسیر حرکت از مدینه به کربلا دارد، حاکی از آن است که آگاهانه به طرف شهادت می‌رود و می‌داند که پیروزی ظاهری و در نتیجه تشکیل حکومت در آن شرایط امکان‌پذیر نیست. لذا او آگاهانه شهادت را برگزیده‌عنوان ابزاری برای پیروزی حق بر باطل.

برخی نوشته‌شدن کتابی چون «شهید جاوید» را بانزدیکی فکری نویسنده آن با ایده ولایت فقیه و لزوم تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت مرتبط می‌دانند.

صالحی نجف‌آبادی اهل تحقیق بود و خیلی قبل از بحث ولایت فقیه کتاب‌هایی چون «حدیث‌های خیالی» و «عصای موسی یا درمان بیماری غلو» را نوشته بود. البته ممکن بود گوشه‌چشمی هم به حکومت ولایت فقیه داشته باشد. در جلسه‌ای که در دهه ۱۳۸۰ ایشان را دیدم، مدافع ولایت فقیه بودند. آن کتاب البته خیلی قبل از آن جریان‌ها منتشر شده بود. «شهید جاوید» در سال ۱۳۵۰ مطرح و دیده‌هایی نیز بر آن نوشته شد اما در واقع در دهه ۱۳۴۰ تحقیقات آن انجام گرفته بود. بنابراین صالحی نجف‌آبادی اهل تحقیق بود و با توجه به سایر آثارش می‌توان گفت تحت

نمی‌ماند. بنابراین امام حسین به دو دلیل قیام کرد؛ یکی برای دفع ظالمی که در مقابل مردم ایستاده بود و حقوق مردم را به‌طور کامل پایمال می‌کرد. امام هم هنگام حرکت از مدینه به مکه این را بیان کرد. از نظر عقیدتی هم این قیام تکلیفی بود بر دوش امام و می‌توان آن را شهادت تکلیفی و سیاسی هر دو دانست. امام وقتی متوجه شد نمی‌تواند از طریق ظاهر بر دشمن که خصم مردم نیز هست، پیروز شود، شهادت را وسیله‌ای قرار داد برای پیروزی تاریخی و برای آیندگان.

وقتی بحث شهادت سیاسی مطرح می‌شود مخاطب احتمالاً به یاد برداشت علی شریعتی از این قیام می‌افتد؛ جایی که او حرکت امام حسین را تلاشی برای رسواسازی دستگاز یزید و مشروعیت‌زدایی از آن می‌داند. در کنار آن برداشت اما صالحی نجف‌آبادی در کتاب «شهید جاوید» تأکید زیادی روی تشکیل حکومت اسلامی دارد و این را هدف اصلی قیام امام قلمداد می‌کند. به‌نظر شما این دوروایت قابل جمع هستند؟

وقتی صالحی نجف‌آبادی «شهید جاوید» را منتشر کرد دو نوع واکنش ابراز شد. یکی واکنش دسته‌ای از افراد سنتی بود که می‌گفتند خیر، امام حسین به هیچ وجه قصد تشکیل حکومت نداشت و فقط می‌خواست به شهادت برسد. شریعتی اما نظری متفاوت داشت. من شخصاً از خود او شنیدم که گفت: «من با نتیجه‌گیری آقای صالحی نجف‌آبادی موافق نیستم اما چون کاری تحقیقی انجام داده است آن کار را می‌ستایم.» به‌زعم شریعتی حسین (ع) وقتی قیام کرد اگر زمینه برای به دست آوردن حکومت فراهم می‌شد حکومت را شکل می‌داد و به همین قصد هم از مدینه حرکت کرد ولی از آن طرف امام با پیش تاریخ، سیاسی و اجتماعی‌ای که داشت، می‌دانست که در شرایط موجود زمینه تشکیل حکومت فراهم نمی‌شود. لذا او برای شهادت هم آماده شد و پیروزی را در حسنین می‌دانست؛ یکی از دو نیکی را تشکیل حکومت می‌دانست و اگر شرایط مهیا بود بدان اقدام می‌کرد،

ادامه از یک صفحه

او همچنین بای اعتنائی به قاعده انتخاب خلیفه توسط مردم که در سمنار سقیفه بر آن تأیید شده بود، برای اولین بار ضمن معرفی فرزندش به‌عنوان خلیفه بلافضل خود، آشکارا انتخاب خلیفه مسلمین را مشابه رسوم جاهلی، موروثی اعلام می‌نماید و به این ترتیب، دومین بدعت را در تاریخ اسلام بنیان می‌گذارد. یزید اما چندان نابخفته و خام است که آداب شهرباری و حکمرانی را نمی‌داند. تصنعی و تحمیلی بودن خلافت بنی‌امیه یا به قدرت رسیدن یزید بر همگان آشکار شده است. همچنان اخبار زیادی نیز مربوط به مجالس لهو و لعب یزید و سایر مفاسد اخلاقی او در همه جایخش می‌شود. حسین بن علی (ع)، به شدت بایکوت سیاسی شده است و نیروهای یزید در صدد بازداشت و حتی قتل او برآمده‌اند. بیشتر مردم زمانه، کسانی هستند که زمان پیامبر را درک نکرده‌اند و اغلب متولد سال‌های بعد از مرگ پیامبرند. به همین خاطر، دینداری اکثر آنها بر اساس تقلید و پیروی از شیوه‌پهران و مآثران‌شان است. توده مردم به‌واسطه تزویر و ریاکاری‌های معاویه و اکنون ظلم و جور فرزندش، مشارکت جمعی ندارند و مایل به دخالت در تعیین سرنوشت خود نمی‌باشند. از سوی دیگر، اندیشه رایج در میان مردم، تفکر مرجئه و به عبارتی اصل عاقبت‌طلبی است. مؤسسان این تئوری، از آنجایی که نخواستند به بنیان ایمان و تقوایشان خللی وارد شود، لذا در مواجهه با برحق بودن یا نبودن علی و معاویه، هر دو را برحق انگاشتند. بدین ترتیب که هیچ‌کدام آنها را در محکوم کرده‌اند و نه حمایت؛ و البته سرنوشت هر دوی آنها را به خداوند واگذار کرده‌اند که در روز جزا در میان‌شان قضاوت خواهد نمود. اکنون پیروان آنها نیز خواسته یا ناخواسته آب به آسیاب دشمن می‌ریزند. معتقدان به مرجئه، هنوز هم عقیده دارند که با توجه به ایمان مومن، معصیت دیگر به ایمان او خللی وارد نمی‌کند. گناهکاران را - ولو مرتکب گناه کبیره‌ای باشند- تنها می‌توان به کیفرهای مقرر رساند و لذا از عضویت در جامعه اسلامی طرد نمی‌شوند. بنا بر این فکر قیام علیه امویان، مشروعیت ندارد. در پی این تفکر که نشانه یکسری سرخوردگی‌ها و ناامیدی‌های سیاسی است، نجبگان و رجال جامعه به زهد و انزوی سیاسی پناه برده‌اند و به این وسیله زمینه تثبیت سلطنت بنی‌امیه بیش از پیش فراهم شده است. از سوی دیگر، گزارش‌های فراوانی از گوشه و کنار در خصوص بروز رنجش و ناراحتی در میان مردم بابت حکومت وقت و اعلام همکاری بسیاری در براندازی حاکمیت به‌گوش می‌رسد. حسین بن علی (ع)، به‌عنوان برجسته‌ترین

حکومت و جبران عقده حقارت او را ادعای می‌کند و همینطور احساس انتقام جویی بنی‌امیه و به جای‌مانده از سوی خاندان بنی‌هاشم را بر می‌انگیزد. به این ترتیب، حسین بن علی در موضع پاسخگویی و دفاع قرار می‌گیرد؛ دفاع مقدسی که سودای تاسیس یک حکومت اسلامی را دارد و این چیزی است که هم‌زمانه‌ساز اجرای برنامه کاری حسین بن علی، یعنی امر به معروف و نهی از منکر خواهد بود و هم اکنون از سوی اکثر مردم عراق و به‌ویژه کوفه، تأیید و تأکید شده است. اضافه بر اینها، وظیفه انسانی- اسلامی فرزند دختر پیامبر خدا در برابر یک حکومت نالایق و نامشروع نیز، ضمانت کار او را در چندان می‌ساخت. از یک نگاه، عاشورا جنگ مذهب علیه مذهب است. مقابله اسلام مرسوم با اسلام مظلوم. اکنون، غیبرهای تحریف و تزویر و ستم، چندان بر سیمای اسلام راستین نقش بسته است که دیگر کار از حرف و حدیث و موعظه و منبر گذشته است. فوریت امر چنان است که نیازی نیست بعداً بگوئیم جبرئیل از جانب خدا به پیامبر خبر داده بود که پسر دختر او در کربلا کشته خواهد شد. از انصاف هم به دور خواهد بود که بگوئیم حسین بن علی، طی یک عملیات انتحاری و مظلوم‌نمایی، خود را فدای امت عاصی و گناهکار خود می‌نماید.

ب: آغاز طوفان (سال ۶۳ هجری)

ریشه‌های قیام حسین بن علی را بیشتر باید در سال‌های دور جست‌وجو نمود. یکی از ریشه‌های آن را باید در خلال حرفی پیدا کرد که ابوسفیان در فتح مکه و هنگام اسلام آوردنش به طعنه عباس عموی پیامبر- زد: انگار که پادشاهی برانزاده‌ات رونق گرفته است. از زمانی که پیامبر با مردم مدینه پیمان بست و به یکسری سازوکارهای سیاسی و اجتماعی اقدام کرد، در واقع دین فرایند دولتی شدن خویش را تجربه می‌کرد. این دولتی و نظام‌مند شدن تا وقتی که شخص پیامبر به‌عنوان یک رهبر کاریزماتیک حضور داشت، البته فایده زیادی داشت. چراکه در تمامی دعاهای و اختلاف نظرات، همگان ایده پیامبر را گردن می‌نهادند. اما واقعیت آن است که در طول تاریخ حکومت‌ها، با مرگ یک حاکم مقتدر و ذی‌نفوذ، خلأ بزرگی در قدرت حاکمیت ایجاد می‌شود که میل به پرشدن و جایگزینی دارد و چون نیروهای مختلفی برای پر کردن خلأ موجود خود را سهیم می‌دانند، بیکار نمی‌نشینند و به همین خاطر نوعی بحران و ستیزه‌های داخلی رخ می‌دهد، درست شبیه آنچه در ماجرای سقیفه روی داد. البته به گفته ماکس وبر، بحران تنها در صورتی رخ نمی‌دهد که رهبر جانشین، خصوصیات رهبر پیشین را داشته باشد یا در زمان رهبر قبلی همه مخالفین به نحوی از میانه کنار رفته باشند. اکنون پس از مرگ معاویه هر دو اتفاق روی داده است، یعنی نه یزید قدرت است چون پدرش حکمرانی کند و نه تمامی فتنه‌ها و مخالفت‌ها ریشه‌کن شده‌اند. تئوری سیاسی معاویه بر پایه تزویر بود که معمولاً امکان زیادی برای اقتدار حکومت داشت؛ سیاست یزید اما، بیشتر بر پایه زور است که به‌رغم ذوب‌بندهای ظاهری آن، گویا دوام و ثبات زیادی نخواهد داشت. اضافه بر این یزید وارث حکومتی است که اساساً فاقد مشروعیت است و در مقابل وجود چهره‌های آل‌ترتیب و محبوب مردم چون حسین بن علی (ع) و در بیرون دستگاز حکومتی، موجبات نگرانی او را فراهم ساخته است. به همین خاطر است که حادثه عاشورای سال ۶۱، در اصل با تهاجم یزید آغاز می‌شود؛ تهاجمی که سودای تثبیت

ج: تلاطم بعد از طوفان (از سال ۶۳ هجری تا همیشه تاریخ)

الان از آن روز و واقعه قرن‌ها گذشته است و در این همه مدت ذهن و زبان‌های زیادی به یادآوری آن پرداخته‌اند و می‌پردازند. ولی يك نکته را نباید فراموش کرد که بی‌بدون به ماهیت قیام حسین بن علی (ع)، جز از راه تأمل در اوضاع و احوال سال‌های قبل از سال شصت و یک و چند ماه قبل از حادثه حاصل نمی‌گردد. در صورتی که تاریخ‌نویسی عاشورا، به شدت نقلی و روایتی بوده است و ردپای تجزیه و تحلیل در آن کمتر به چشم می‌خورد. همه چیز در آن حول احساسات است و برای همین است که تا هنوز به عوض پاسداری و جان‌بخشی به این حماسه سترگ، هر ساله برای آن تنها عزاداری شده است و می‌شود. پروضاحت است که هر لحظه از کار بزرگ حسین، درس آموز و هدفمند است. از امتناع بیعت خلیفه جور که از آذگی را آموزش می‌دهد. از خارج شدن از مدینه که ضرورت هجرت را بازگو می‌کند. از نیمه‌تمام گذاشتن مراسم حج که تا زشتی و تباهی در جامعه اسلامی است، چرخیدن به دور خانه کعبه مساوی با چرخیدن به دور خانه شرک است. از اعزاز سفیر خود به کوفه که پرهیز از تحمیل خود بر آنها را ادعای می‌کند. از شنیدن خبر قتل مسلم